

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ، وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِ،
وَوَقِّفْنِي فِيهِ لَيْلَاةَ الْقُرْآنِ، يَا مَنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

ای خدا در این روز به روی من درهای بهشت هابگشا، و درهای آتش دوزخ ببند،
و مرا توفیق تلاوت قرآن عطا فرما، ای فرو د آرند و قار و سکینه بردلای اهل ایمان



هفته نامه فرهنگی، خبری
مدرسه دانستجویر قرآن و عترت
دانشگاه تهران
شماره ۲۴۲
۱۵ خرداد ۱۳۹۷
۲۰ رمضان ۱۴۳۹
kashef@quranetratschool.ir
www.QuranEtratSchool.ir
سال هشتم

خطابه

طرح ختم مفهومی قرآن با رویکرد خداشناسی و اسماء الحسنی

بیانات آقای اخوت در مراسم افطاری مدرسه حفظ (ماه مبارک رمضان ۹۷)

توحید؛ مهم ترین و مغفول مانده ترین موضوع زندگی انسان

یکی از موضوعات مهمی که شاید بتوان گفت مهم تر از آن در قرآن نیست، بحث توحید است. اساسا این موضوع، مهم ترین موضوعی است که خداوند از آن پرده برداشته و به عنوان غایت خلقت همه موجودات قرار داده است. یعنی اگر بخواهیم یک موضوع انتخاب کنیم که مهم تر از آن وجود نداشته باشد، بحث توحید است. همه می دانیم که ماه مبارک رمضان، حج بیت الله الحرام، نماز یومیه و... همه این موارد، بهانه و راهی هستند تا انسان بتواند خدای خودش را بهتر بشناسد.

در مورد ثواب روزه می گویند که خود خدا جزای آن است. یعنی هر کاری که سخت تر از آن وجود ندارد، مثل جهاد و روزه، ثوابش را خود خدا ذکر کرده اند.

موضوع توحید، موضوع خیلی مهمی است و اتفاقا جزو موضوعاتی است که ما کمتر به آن می پردازیم، یعنی حتی در مباحث نظری مان، خیلی به این موضوع نمی پردازیم. مثلا از خیلی چیزها حرف می زنیم: از سبک زندگی، تعاملات، روابط، اخلاقیات و... اما به حوزه توحید که می رسیم، احساس می کنیم خداوند حقیقتی است که ما او را می شناسیم و احتیاجی به توصیف ندارد. در حالی که وقتی قرآن می خوانیم، می بینیم در هر صفحه ای بارها و بارها دلالت بر توحید آمده است. یا اینکه مثلا کمتر دیده ایم کسی بگوید من برای اینکه موحد شوم، برنامه مطالعاتی ریخته ام و یا در کتاب هایی که دارم تعدادی از آنها راجع به خداست. خلاصه اینکه از بس با خدا خودمانی شده ایم، احساس می کنیم او را می شناسیم و احتیاجی به مطالعه در این باره نداریم. شاید هم به خاطر این باشد که خیلی از اوقات، کتاب ها یا حرف هایی که متناسب با ظرفیت ما باشد، گفته نشده است.

در ایام ماه مبارک رمضان و لیالی قدر، با ادعیه این

مناسبت ها مانند دعای «یا علی یا عظیم»، دعای جوشن کبیر، دعای مجیر در ایام البیض مواجه می شویم ولی باز هم این دعاها به یک سری واژه و قواعدی که در ذهن می آیند و می روند تبدیل می شوند و به اندازه کافی دقت و تأمل روی محتوای علمی ادعیه صورت نمی گیرد بلکه نوعا خرج حوائجی می شوند که از خدا می خواهیم. یعنی دعا به عنوان متنی علمی برای اینکه خدا شناخته شود و وجوه مختلف توحید برایمان باز شود، خوانده نمی شود. این یک حفره و خلاه بزرگ در زندگی ماست که باید برایش فکری کنیم.

یک بسته مشخص برای این مسئله می خواهیم پیشنهاد دهیم به طوری که برای همه هم راحت باشد. از اول قرآن که ختم را شروع می کنید، یک دور قرآن را با این عنوان بخوانید که ببینید خدا خودش را چگونه معرفی کرده است؟ و نکات را یادداشت کنید. این موضوع سهل الوصول است، برای افرادی که حافظ هستند بین یک تا پنج ساعت و برای بقیه ۱۵ ساعت زمان می برد.

جستجوی موضوع توحید با رویکرد اسماء الله در آیات به طور مثال از سوره حمد شروع می کنیم:
«بسم الله الرحمن الرحیم»؛ خدا خودش را چگونه معرفی کرده است؟ اینکه هیچ کاری بدون اسم الله رحمن رحیم انجام نمی شود. اگر بخواهیم استعانت در نظر بگیریم یعنی هر کسی باید با استعانت از اسم الله رحمن رحیم کارش را شروع کند، ادامه بدهد و تمام کند. «الحمد لله»؛ خدا حمد را مخصوص خودش کرده است. «رب العالمین»؛ الهای که رب العالمین است.

«الرحمن الرحیم»؛ خودش را به رحمن و رحیم وصف کرده است. پس خداوند با عناوین و کارکردهایی که برای خودش قائل است، خود را معرفی می نماید. مثلا یک بار فرموده بسم الله الرحمن الرحیم که خود را به اسم الله معرفی کرده است (چون الله و اسم الله دو معنی اند و یکی

نیستند. اسم، هم مخلوق است). یک بار اختصاصات خودش را می گوید مانند «الحمد لله». یک بار صفت خودش را می گوید، مانند «رب العالمین»، «الرحمن و الرحیم». یک بار صفات را تکی مطرح می کند، مانند «رب العالمین». یک بار دوقلو و جفتی مطرح می کند، مانند «الرحمن الرحیم». یک بار وصف می کند و وصف آن مربوط به تجلی در یک زمان خاص است، مانند «مالک يوم الدين».

به سوره مبارکه بقره می رسیم. می توان آیات را خیلی جزئی نگاه کرد اما فعلا کلی مطالعه می کنیم و به آیات ۱۴ و ۱۵ می رسیم: «وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤْنَ*اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَهْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ». در آیه ۱۴ می فرماید که کافران وقتی با کسانی که ایمان آورده اند، ملاقات می کنند می گویند ایمان آورده ایم اما وقتی با شیاطین شان روبرو شوند می گویند «انا معکم اما نحن مستهزؤن» و خداوند می گوید که «اللله يستهزئ بهم و يهدهم في طغيانهم يعمهون». می بینیم خداوند یک سری کارهایی را که فکر نمی کردیم انجام دهد -مانند استهزای کافران- را به خودش نسبت داده است.

در انتهای آیه ۲۰ وصفی از قدرت خدا را می فرماید: «يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». نزدیک است که آن برق جهنده، روشنی چشمانشان را برباید؛ هر گاه بر آنها روشنی بخشد در آن روشنی راه روند و چون فضا بر آنان تاریک شود می ایستند؛ و اگر خدا می خواست شنوایی و بینایی آنها را از بین می برد، زیرا که خداوند بر هر چیزی تواناست.

در این آیه خداوند خودش را در لایه لای اتفاقات و رخدادهای روزمره نشان می دهد. همان اتفاقاتی که مشاهده اش برای ما خیلی ناگوار است. الان اگر در

صحنه های اجتماعی و زندگی یک منافق را ببینیم چقدر حالمان بد می شود؟! خدا همان جایی که حال همه بد می شود، خودش را معرفی می کند و این جزء عجایب قرآن است. یعنی انسان موحد در جایی که همه حالشان بد می شود، خدا را ملاقات می کند چون او قدرت خدا را می بیند. می بیند که منافق در هر حالتی نمی تواند خارج از اذن خداوند کاری بکند، پس معلوم می شود که این طراحی ساختاری که خدا کرده است، حکیمانه است. اگر خدا می خواست می توانست جلوی منافق را بگیرد و اگر الان قدرتی دارد، خدا به او داده است.

به همین صورت وقتی آیات را می خوانیم کم کم اوج و فروندهای آیات عجیب می شود. کافی است همان آیات و صحنه هایی که خداوند خود را در آن معرفی کرده است، جمع بندی کنیم.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۲۱)؛ امر به عبودیت همان خدایی می شود که شما را خلق کرده است.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (۲۲)؛ در این آیه خیلی توصیفی می شود. می فرماید: زمین را نگاه می کنی که خدا قرار داده، آسمان را می بینی که خدا بنا کرده و رزق را از آسمان خدا فرو فرستاده است. حال شما که خودتان می دانید، پس برای خداوند «ند» قرار ندهید. مشخص می شود همانطور که توحید انواع پیدا می کند، شرک هم تنوع دارد. یک نوعی از شرک را قرار دادن «ند» برای خدا معرفی می کند و می خواهد بگوید فکر نکنید که شبیه خداوند می تواند کارهایی را انجام دهد، نه می تواند. غیر

از خدا هیچ کس نمی تواند این کارها را انجام دهد.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَحُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ (۲۶)؛ این آیه

نیز توصیف خداوند است. وقتی قرآن را می خوانیم به این نتیجه می رسیم که هر خدایی در زندگی انسان اتفاق می افتد، چه خوب و چه بد، محل ملاقات با اسم یا وصفی از پروردگار است که اگر نتواند در آن رخداد و اتفاق، خداوند را ملاقات بکند، رخدادها یکی یکی می آیند و ضربه و نفع صوری خودشان را می رسانند اما برای انسان عائدی نخواهند داشت و بی نتیجه می گذرند. آیات دلالت های توحیدی بسیار بالایی دارند. یکی یکی که جلو برویم، مجموعه ای از آیات را می بینیم که ممکن است تحلیل شان برایمان سخت باشد. به همین خاطر به نظر می رسد اگر یکی از سوره های قرآن را انتخاب کنیم و رمز و رازهای آن سوره در حوزه اسماء را مطالعه نماییم، بهتر باشد.

کتابی با عنوان تدبر در اسماء^۱ هم موجود است. در آن کتاب، غور و تعمقی در انواع و اقسام حالاتی که اسماء الهی در قرآن گفته شده، صورت گرفته و جمع بندی های خاصی هم راجع به آن کرده است.

خودشناسی با خداشناسی

از منظر پنج مولفه در سوره مبارکه توحید

مبحث اسم از نیاز در انسان شروع می شود، یعنی وقتی درباره خدا و توحید مطالعه می کنیم، در واقع بر روی خودشناسی کار می کنیم. وقتی می گوئیم «ان الله على كل شئ قدير» یعنی انسان نیازمند قدرت است و کارش بدون قدرت راه نمی افتد. اگر می گوئیم رحمن و رحیم، یعنی انسان نیازمند رحمت است، مرحوم است و باید به او رحم شود و دو مدل رحمت هم می خواهد. وقتی می گوئیم «الحمد لله»، یعنی نیازی در انسان وجود دارد که او را به حمد می رساند.

پس علت پدیداری اسماء الله، نیازهای انسان است و ما در واقع اسم خدا را نمی خوانیم بلکه خودشناسی می کنیم. هر چیزی که خداوند در حوزه خودش مطرح می کند به نوعی نیاز انسان است که در حوزه خداوند مطرح می شود. در واقع مهم ترین شکل خودشناسی، خداشناسی است. روایات بسیاری با این مضمون وجود دارد که «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و یا بالعکس. در سوره مبارکه حشر می فرماید «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (۱۹) یعنی فراموشی خدا منجر به فراموش خود می شود. خودشناسی منجر به خداشناسی می شود و بین اینها ارتباطی وجود دارد. پس ما هر اسمی را که می خوانیم در واقع داریم کندوکاو در خودمان می کنیم.

در بخش اسماء الحسنی کتاب مذکور، سوره توحید به عنوان شاخص بحث توحید مطرح شده است و پنج وصف اصلی خداوند یعنی احد، صمد، لم یلد، لم یولد، لم یکن له کفو احد را داریم که هر اسم و وصفی که در قرآن آمده است باید در این پنج مولفه ضرب شود. کار سوره توحید این است که هر اسمی از اسماء الله را پنج وجهی می کند، مثلاً خداوند

- رب العالمین است به وجه احدیت، یعنی تک است.
 - رب العالمین است به وجه صمدیت، یعنی ربوبیتش از وجه نیاز نیست.
 - رب العالمین است به وجه لم یلد، یعنی ربوبیتش به وجه خروج شیء از شیء نیست، یعنی چیزی را تولید نمی کند، چیزی را صادر نمی کند.
 - رب العالمین است به وجه لم یولد، یعنی از چیزی، چیزی را خلق نمی کند، یعنی فقط اراده اش منجر به جلوه گری می شود.
 - و رب العالمین است در حالی که کفوی برایش نیست.
- پس اگر کسی سوره مبارکه توحید را در نظام باوری خود

نداشته باشد، به هیچ وجه نمی تواند موحد باشد. باید هر صفتی که برای خداوند قائل می شویم را به وجه سوره توحیدی، قائل شویم. مثلاً خداوند مهربان است اما نه آن گونه که ما می پنداریم بلکه آن گونه هست، که هست (وجه احدیت)، خداوند مهربان است نه به خاطر اینکه نیازی از او برطرف شود و ...

در واقع سوره مبارکه توحید مهیمن بر تمام اسماء و صفات و جلوه های خداوند در قرآن است.

بعضی آیات درباره خداوند به نحوی است که گویی شائبه زمان دارد. مثلاً در سوره مبارکه عنکبوت می فرماید ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ (۳) یعنی اتفاقی می افتد تا خداوند علم پیدا کند. سوال می شود آیا اینکه خدا می خواهد علم پیدا کند یعنی قبلاً علم نداشته و حالا می خواهد علم پیدا کند؟ جواب این است که باید سوره مبارکه توحید کنارش خوانده شود تا وقتی آیه ای چنین می گوید معلوم شود منظور آن علمی نیست که ما در ذهنمان داریم بلکه علم پیدا کردن خداوند به نحو احدیت است، یعنی هر کسی علم پیدا می کند زمانی جهل دارد و زمانی هم علم یافته است اما خداوند اینطور نیست. به وجه صمدیت، یعنی توپُر است و جای خالی ندارد. وقتی علم پیدا می کند، کمالی در او ایجاد نمی شود و کمالی هم از او فوت نشده بوده که بخواهد به دست بیاید.

در واقع اگر سوره مبارکه توحید نبود، اصلاً توحید معنا پیدا نمی کرد. با سوره توحید می توان خداشناسی را از کودکی به بچه ها آموزش داد. بچه ها می پرسند خدا کیست؟ و هر صفت خوبی را می توانیم به خدا نسبت دهیم اما با وجه سوره توحید باید گفته شود. به بچه می گوئیم خدا خوب است اما بعدش می گوئیم نه این خوبی که ما فکر می کنیم بلکه یک خوبی ای که نظیر ندارد. همین که می گوئیم یک خوبی دیگری هم هست، فهم تسبیحی در او شکل می گیرد.

اسماء الله وضع خاصی دارند و مفاهیم بعضی از آنها خیلی وسیع تر است. کار اهل بیت علیهم السلام در حوزه اسماء این بوده که اسماء الهی را احصاء کرده و در دعاهایشان آورده اند و به نوعی اسماء را در ادعیه تعریف می کنند. مثلاً می فرمایند «حی لاهوت»؛ حی کسی است که مرگ در او راه ندارد، «صادق لا تکذب»؛ صادق کسی است که دروغ در او راه ندارد، «قاهر لا تقهر»؛ قاهر یعنی کسی که نمی شود بر او تسلط پیدا کرد، خالق کسی است که یاری از کسی نمی گیرد، قریب کسی است که دور نیست، قادر کسی است که ضد ندارد، غافر کسی است که ظلم نمی کند، صمد کسی است که نیاز به طعام ندارد، قیوم کسی است که خواب ندارد، مجیب کسی است که از اجابت خسته نمی شود، بصیر کسی است که به دودلی نمی افتد، عظیم کسی است که مورد سوء قصد

واقع نمی شود، قوی کسی است که ضعیف نمی شود، حلیم کسی است که به جهل مبتلا نمی شود و...

در روایت در مورد اسماء و صفات خدا مطالب زیادی داریم که بعضی از آن ها اصلاً قابل احصاء نیستند.

می خواهیم انگیزه های در خودمان تولید کنیم که از همین الان یک دفتر باز کنیم، یا حتی در گوشه قرآن هایمان،

راجع به موضوع توحید به عنوان مهم ترین مسئله زندگی مان، هر مطلبی که می فهمیم را ثبت کنیم. نکات را یادداشت کرده و با خودمان مرور کنیم. زندگی خیلی نورانی می شود وقتی که یاد خداست و مطالبه اول آن، خود خداست. اصلاً دغدغه های انسان و فضای ذهنی اش فرق می کند. شیرین ترین زندگی از آن کسی است که در هر لحظه ی سختی یا راحتی، به یاد خدا باشد.

برای انجام منظم این مطالعه، یک راه این است که از قرآن توصیفات خداوند و دسته بندی آن ها را استخراج کنیم. یک راه هم این است که ببینیم در روایت چطور این تعریف و دسته بندی ها ارائه شده است. اگر دسته بندی آیات قرآنی را خودتان بکنید، می فهمید که چقدر روایات و دسته بندی های ائمّه علیهم السلام بی نظیر است و قدرشان را می دانید، چون قبلاً انجام داده اید و هر کار کرده اید، نتوانسته اید دسته بندی کنید! این کار حداقل ۱۰ هزار ساعت زمان می برد. نمی گویم نمی شود اما از روایات خیلی راحت به دست می آید. بعضی اوقات به دلیل اینکه حقایق به راحتی در اختیار ما قرار داده شده است، قدرش دانسته نمی شود.

در روایات معرفی اسماء الهی متناسب با نیازهای انسان آمده است. بالاخص در صحیفه علویه از این دست روایات بسیار است.

مدل دیگر معرفی اسماء الهی با رخدادهای مختلف صورت گرفته است. مواردی که انسان گیر می افتد و به بهانه آن گیر افتادن، دعایی ذکر شده است. بعضی ها می گویند کاش گیر می افتادیم تا می فهمیدیم خدا یعنی چه! حال بدون گیر افتادن، این کار را برایمان کرده اند و خدا را در مناطق خاص معرفی نموده اند.

رویکرد پنج مرحله ای در خواندن دعای جوشن کبیر

جوشن کبیر از آن دعاها ی بی نظیری است که خداوند توفیق داده تا هزار اسم او را بخوانیم. مواردی ذکر شده که انسان بتواند ملاقات پروردگار را در هر لحظه داشته باشد. حال ما بایستی پنج باور به خداوند یا اسماء داشته باشیم:

۱. **استعاذه:** راههای تقویت باور نسبت به جریان اسماء در زندگی است. یعنی هر باور و عملی که بتواند انسان را از خطرات بی توجهی نسبت به اسماء مصون بدارد که در قرآن پناه یا عوذ گفته می شود باید در رابطه با اسماء مورد توجه قرار دهیم.

۲. **تسبیح:** هر باور و عملی که موجب شود انسان از سویی ساحت ربوبی را بدون نقص ببیند و از سوی دیگر ساحت خود را از نقص به سمت کمال بخواهد. یعنی زندگی را جوری ببیند که خودش را دارای نقص ببیند و خداوند را خدایی بداند که نقص ندارد.

۳. **تحمید:** هر باور و عملی که بتواند قدرت زیبا دیدن را به انسان بیاموزد و کمال بینی و کمال طلبی را در او تقویت کند.

۴. **تهلیل:** هر باور و عملی که بتواند توجه انسان را از غیر خدا سلب کند و تنها به خدا معطوف کند.

۵. **تکبیر:** هر باور و عملی که بتواند انقطاع انسان را به سوی خداوند کامل کند.

این پنج مرحله، مراحلی هستند که مؤمن می تواند به اسماء نزدیک شود. مثلاً در هر فرازی از دعای جوشن کبیر که خوانده می شود، یک ترجیع بند گفته می شود: «سبحانک یا لاله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب»، که در آن «سبحانک» نماینده تسبیح، «یا لاله الا انت» نماینده تهلیل، «الغوث» نماینده عوذ در مقام باور، «خلصنا من النار» عوذ در مقام عمل و «یا رب» نماینده تحمید است.

یعنی هر کدام از اسمائی که در جوشن کبیر گفته می شوند، یک بار از دید عوذ به آن نگاه می شود، یک بار از دید تسبیح، یک بار از دید تهلیل، یک بار از دید حمد و

یک بار از دید تکبیر.

مثلاً در فراز «اللهم انی اسئلك باسمک یا الله...»، الله به عنوان پناهگاه، الله با این دید که نقصی در او راه ندارد (سبحان الله)، الله از حیث کمال (تحمید)، الله از این منظر که کسی غیر خدا نیست (تهلیل) باید مدنظر قرار گرفته شود.

پس هرکدام از اسماء الهی پنج حالت پیدا می کنند که اگر کسی خواست به آن اسم پناه برد، استعاذه می شود. اگر خواست آن اسم را بری از نقص بداند، تسبیح می شود. اگر آن را دارای کمال بداند، تحمید می شود. اگر هیچ الوهیت و مقامی برای غیر او قائل نشود، تهلیل می شود و اگر فقط او را ببیند و دیگر هیچ، تکبیر می شود. مقام تکبیر انقطاع صرف به آن اسم است.

این مراحل، صرف مسائل نظری نیست بلکه درجات انسان به واسطه همین مراحل و با هم اسمی ارتقاء پیدا می کند.

ان شاء الله خداوند توفیق دهد که احیای اسماء الهی را در دستور کارمان داشته باشیم. کار کردن بر روی اسماء، حفظ قرآن را تقویت می کند، همچنین افراد و قدرتشان را در عالم تقویت می کند. کار کردن روی اسماء، سیطره روی عالم می آورد. آن هایی که دخل و تصرف در عالم می کنند بر اساس نظام اسماء می کنند.

پیشنهاد بنده به دوستان این است که روی بحث اسماء و صفات خدا در قرآن یک تمرکز ویژه داشته باشند به این نحو که بتوانند بیان کنند مثلاً معرفی خداوند در سوره حمد یا معرفی خداوند در سوره بقره چه تفاوتی دارد. اگر کسی حافظ کل باشد، احتمالاً این بخش از فهمش معادل همه فهمی است که از قرآن داشته است، یا شاید هم بیشتر.

ان شاء الله خداوند توفیق همه ما را در انس با قرآن و آیات توحیدی و موحد شدن زیاد کند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

۱. احمد رضا اخوت، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع)

خصوصیات درک شب قدر

گزیده نکات از بیانات آقای اخوت (ماه مبارک رمضان ۹۷)

لزوم برنامه ریزی از قبل جهت درک شب قدر

شود را تهیه می کنیم. برنامه کارهایی که در طی یک سال باید انجام دهیم را از الان شروع به تدوین می کنیم، در شب قدر آن را بررسی کرده و اولویت بندی می کنیم. یکی از خصوصیت های شب قدر این است که برای کسی که درکش کند، نشانه دارد. اولین نشانه آن، حسی است که نسبت به حضرت صدیقه کبری (ع) در انسان فعال می شود. حس فرد عجیب می شود و حسی است که او را از گناه باز می دارد، مثلاً کارهایی قبلاً می کرده و از پشیمان برنمی آمده اما دیگر این حس می تواند او را نگه دارد. دومین نشانه احساس سربازی برای امام زمان (ع) است. فرد احساس می کند کارهایی که انجام می دهد به نوعی زیر نظر و تحت ولایت است. پس محبت باید به سمت



سمت توجه به حضرت بقیة الله (ع) برود.

برای این موضوع، هر کسی باید سهم سالانه کارهایش را تعیین کند، یعنی چه کارهایی را در سال آتی پیش بینی می کند که بتواند انجام دهد؟ بد نیست این موضوع به عنوان یک سوال از اول ماه مبارک رمضان تا عید فطر مدنظرمان باشد که «برای درک شب قدر، قبل از شب قدر، چه کارهایی را می توانیم انجام دهیم؟» و این سوال مبنای نوشتن متن ها و انجام کارهایمان باشد.

هرچه عالم به سمت طغیان و فساد پیش می رود، باید مؤمنین کفه شب قدر را سنگین تر کنند تا موازنه ای در عالم وجود داشته باشد^۱.

خروج از فردیت؛ نشانه درک شب قدر

این خصوصیت درک شب قدر به اُمت شدن و خارج شدن از لاک فردیت و منیت است. هرکسی باید احساس کند مانند قطره ای وارد اقیانوسی شده است، یعنی خودش تک نیست و اقیانوس است. وقتی انسان از فردیت خارج می شود اولین اتفاقی که برای او می افتد این است که مقدرات او و مقدرات امام یکی می شود و می تواند دعاها را بلند بخواند. انسان وقتی تک است، برای خودش خیلی چیزها را می خواهد و فردیتی در اوست که نمی تواند دعاها را بلند داشته باشد و اگر هم دعا بلند کند، به خودش نهیب می زند که مگر تو انقدر عمل داری که چنین دعایی می کنی؟! اما وقتی فرد وارد اُمت می شود، برای اُمت هرچه بخواند می تواند دعا کند.

در چنین وضعیتی اگر خیر و موفقیتی برای فرد تحقق پیدا کند، فکر نمی کند مال خودش است، بلکه آن را مال اُمت می داند. اگر استعدادی در فرد شکوفا شد، آن را نذر اُمت می کند. منیت ها کامل از بین می رود و فرد برای دیگران می شود، حال می خواد در مقامی بالا باشد یا پایین. حتی

اگر پایین ترین فرد هم باشد، باز هم به درد می خورد چون در اُمت هرکسی جایگاهی دارد. در قاعده امت اگر کسی ضعف استعداد و ناتوانی داشته باشد، هیچ اشکالی ندارد چون در اُمت احتیاج به همه جور آدمی هست.

دومین خصوصیت شب قدری که به صورت اُمت درک شود، این است که برنامه هایی که انسان برای خودش در سال تدوین می کند، دیگر برنامه های فردمحورانه نیست، یعنی حتما در آن انقلاب کردن، انقلابی بودن، مجاهد بودن، جهاد کردن و جمع تشکیل دادن هست. فرد در هر جایی که باشد، آن را تبدیل به جمع می کند.

مثلا فرد می گوید می خواهم نظام مشاوره، روان شناسی، شخصیت شناسی، استعداد شناسی را در دنیا تغییر دهم. پس نسبت به یک برنامه فردی، نظام گفتمانی و برنامه ها نیز تغییر خواهند کرد.

نگاه های فردی ما باعث می شود ده سال هم که بپاییم، باز همین تعداد بمانیم. اما اگر نظام جمعی باشد، هر کس به تعداد پنج تا ده نفر انشعاب پیدا می کند.

در شب قدر جمعی به سبک اُمت، برنامه ریزی های فردی به سمت برنامه ریزی های جمعی سوق پیدا می کند. یعنی هرکس در هر کاری که برنامه می ریزد، به علمی که تکثیر می کند و می تواند تغییرات ایجاد کند، پیش می رود.

نشانه درک شب قدر به سبک اُمت این است که فرد از نظام فردی خارج شده و به نظام جمعی وارد می شود^۲.

۱. ایراد شده در تاریخ پنجشنبه، ۲۷ اردیبهشت ۹۷ (صحبت های بعد از نماز ظهر و عصر)

۲. ایراد شده در تاریخ دوشنبه، ۷ خرداد ۹۷ (کلاس پژوهش علوم انسانی)

تک خوشه

شب قدر، چه شبی است؟



برگرفته از جلسات خانوادگی با تدبیر در سوره مبارکه عنکبوت (شعبان و رمضان ۹۷)

- شب قدر، شب فهمیدن توحید است.
- شب قدر، شبی است که قصد می کنیم شیعه شویم و همراه امام باشیم.
- شب قدر، شبی است که مقدرات خودمان را با مقدرات امام زمان (ع) پیوند می زنیم.
- شب قدر، شبی است که باید فکر کنیم به دلیل وجود امام و تنزل ملائکه بر قلب انسان کامل، چه اتفاقات مهمی باید برای ما بیفتد؟
- شب قدر، شبی است که باید در آن، فهرستی از کارها و برنامه های مستمر جهادی مان را تهیه کرده و به بررسی آن ها بپردازیم.
- شب قدر، شبی است که انسان می تواند امید به لقاء خدا را در خود زیاد کند.
- شب قدر، شبی است که برای درکش بایستی کار علمی کرد. راجع به شب، قدر و... باید بدانیم.
- شب قدر، شبی است که قرب به خدا را به وسیله علم، کتاب خوب، دوست خوب و... می خواهیم.
- شب قدر، شبی است که انسان ها با ولی شان، برای از بین بردن طاغوت عهد می بندند.
- شب قدر، شبی است که انسان جز برای تشکیل حکومت دینی و نابودی طاغوت، داعی نداشته باشد.
- شب قدر، شبی است که انسان اگر خودش را کنار بگذارد و جمع خواه شود، مقدراتش با مقدرات امام یکی می شود.

یادداشت ادبی

مادر قدر شناس



در شأن حضرت زهرا (ع) و لیلة القدر

و تو چه دانی که شب قدر چیست... در همه مراتب و در همه زمینه ها... قابل درک نیست برای حواس که چگونه یک انسان میتواند تنها غذای خود را پس از یک روز تحمل گرسنگی به فقری بدهد که صدایش را میشنود... برای حواس انسان قابل درک نیست که چگونه انسان می تواند جامه ای به سر بکشد و در جایی بخوابد که میدان با شمشیر به سراغش خواهند آمد... برای حواس انسان قابل درک نیست که چگونه در خانه ای باشی که همسرت در کنار تو مسمومات کند... برای انسان قابل درک نیست که قلبی بتواند شب دهم را تاب بیاورد... ای لیلہ قدر! مادر تمام خوبیها! لولای در آسمان بروی زمین! وسیطه ی خیر! اگر شما نبودید گل ها باز نمیشدند، ماهی نفس نمیکشید، گوش و زبان به کار نمی افتاد... حیات از وجودتان آب می خورد... ای کاش به اندازه تمام گرفتگانی که آزادشان کردید، شفیعمان باشید در فقره جدایی از نار، پشیمانی، حرمان، غصه، رنج، دست حسرت گزیدن، دستان از دامان نعمت کوتاه ماندن، نرسیدن... چقدر نرسیدن سخت است، البته از نرسیدن برای شما گفتن، حکایتی است که باید گفت... پیش پایي به چراغ تو ببینم چه شود...



صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت
زیرنظر | هیأت سردبیر
مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعتمدار
هیأت تحریری | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)

کانال اطلاع رسانی
مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت
@QuranEtratSchool

